



دکتر ولی الله سیف، عضو شورای فقهی بانک مرکزی:

دریافت خدمات بانکی بدون ربا باید به مطالبه جامع تبدیل شود

آقای دکتر به عنوان نخستین پرسش می‌خواستیم تفاوت‌های بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا را از نظر شما بدانیم. آیا اساساً تفاوت‌هایی بین این دو مقوله وجود دارد یا خیر؟
نگاهی گذرا به آنچه طی سال‌های اخیر انجام شده به وضوح نشان می‌دهد که جهت‌گیری کلی در مورد عملیات بانکی در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش در راستای حذف پدیده غیرقابل قبول ربا از مجموعه عملیات بانکی کشور بوده است. به همین دلیل نیز قانونی که در مجلس شورای اسلامی وقت مطرح، بررسی و نهایتاً تصویب شد، عنوان "قانون عملیات بانکی بدون ربا" را بر خود داشت. اما در تمام سال‌های گذشته اجرای این قانون و انتظاری که از آن ایجاد شده است، پیاده‌سازی یک مفهوم بسیار وسیع و اعم از بانکداری عاری از ربا بوده است که از آن به بانکداری

© دکتر ولی الله سیف از کارشناسان و فعالان با سابقه حوزه بانکی کشور است که سوابق بسیار موفقی در حوزه مدیریت بانک‌های متعدد دولتی و خصوصی در ایران و همچنین بانک‌های منطقه‌ای در کارنامه کاری خود دارد.
ایشان در حال حاضر علاوه بر مدیریت یکی از بانک‌های خصوصی کشور از اعضای شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز هست.
به مناسبت سالگرد تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ پای صحبت‌های دکتر سیف نشستیم تا دیدگاه‌های وی را در مورد آنچه در این سال‌ها انجام شده و نشده و آنچه باید انجام می‌شد و موانع اجرای آن جویا شویم.

اسلامی تعبیر می‌شود. تعبیری که با مسامحه، مساوی و مترادف بانکداری بدون ربا به کار گرفته شده و این در حالی است که بانکداری اسلامی، به شرط امکان تعریف و تحقق، اساساً مفهومی به‌غایت گسترده‌تر از بانکداری بدون ربا را در برمی‌گیرد. با بررسی آنچه که در طول حدود سه دهه از تصویب و اجرای قانون بانکداری بدون ربا سبزی می‌شود، درمی‌یابیم مسئولان امر هیچگاه ادعا نکرده‌اند که نسبت به اجرای بانکداری اسلامی به مفهوم واقعی آن در ایران موفق بوده‌اند. ولی در عین حال اصرار داریم بر این واقعیت تأکید کنیم که با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، همین میزان تلاش برای حذف ربا از عملیات بانکی کاملاً موفق بوده و اقدامی بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است.

این واقعیت کاملاً قابل اثبات است که نه تنها هیچ کشوری تا به حال موفق نشده به چنین موفقیتی دست پیدا کند بلکه حتی ادعای آن هم از سوی مسئولان اقتصادی آن‌ها مطرح نشده است. باید توجه داشت که آنچه در بعضی کشورها تحت عنوان بانکداری اسلامی تبلیغ و پیاده می‌شود، در کامل‌ترین حالت، ارائه خدماتی در کنار خدمات بانکی متعارف است که سعی شده پدیده ربا از آن حذف شود در حالی که در کشور ما سرویس و خدماتی موازی وجود ندارد و هر خدمتی که در قالب نظام بانکی ارایه می‌شود، عاری از ربا است.

آقای دکتر با این رویکرد اساساً موضوع بانکداری اسلامی چه جایگاهی پیدا می‌کند؟

به عقیده من نباید انتظار داشت که بانکداری اسلامی با مفهوم عمیق و وسیع آن و بدون توجه به شرایط در سایر بخش‌ها و نهادهای اجتماعی قابلیت اجرا داشته باشد. عمده کاری که باید با جدیت انجام شود اینست که فعالیت‌ها و بخش‌هایی را که از نظر شرعی مشکل دارد از مجموعه عملیات بانکی خود حذف کنیم. به مجموعه‌ای که پس از این پالایش باقی می‌ماند هم باید به عنوان مجموعه فعالیت‌های بانکی مجاز از نظر اسلام نگاه شود؛ عملیاتی که در دایره مباحات شرعی

قرار می‌گیرد و البته باید روز به روز هم گسترده‌تر و عمیق‌تر شود.

با این تفاسیر رابطه بانکداری بدون ربا و اسلامی چیست؟

واقعیت اینست که بانکداری اسلامی، ایده‌آلی است که باید به سمت آن حرکت کنیم و آنچه در حال حاضر به عنوان بانکداری در کشور ما اجرا می‌شود با این مفهوم ایده‌آل فاصله زیادی دارد. اما آنچه نباید مورد غفلت واقع شود این است که وجود چنین فاصله‌ای به هیچ‌وجه به معنای بی‌ارزش بودن آنچه در حوزه بانکداری به آن دست یافته‌ایم نیست، چرا که این واقعیت که در نظام بانکداری جمهوری اسلامی، پدیده‌ای به نام ربا وجود ندارد به خودی خود بسیار با ارزش و مایه مباحث است و باید به چشم دستاوردی بزرگ به آن نگریست. فراموش نکنیم که شرایط فعلی نظام بانکی با ایده‌آلی که از آن به بانکداری اسلامی تعبیر می‌شود، فاصله زیادی دارد چرا که بانکداری اسلامی طیف بسیار وسیعی از فعالیت‌ها، رسالت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی دیگر را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

تمام مطلوب‌ها و ارزش‌های اسلامی قاعدتاً باید در بانکداری اسلامی متبلور و لحاظ شده باشد، مفاهیمی مانند عدالت، حمایت از نیازمندان و... قاعدتاً باید ستون‌های اصلی ارزش‌ها و اولویت‌های یک نظام بانکی منطبق بر اهداف عالی اسلامی باشد. بنابراین مسئله تنها حذف ربا نیست بلکه تلاش برای فراهم آوردن زمینه‌هایی در حوزه عملیات بانکی است که به تحقق آرمان‌های اسلامی کمک کند.

به نظر می‌رسد طی حدود سه دهه گذشته بیشتر بر جنبه سلبی که همان حذف ربا از گستره عملیات بانکداری است، تأکید شده است با این توصیف به عقیده شما در حال حاضر ما در کجا ایستاده‌ایم؟

اجازه بدهید به این پرسش از دو زاویه نگاه کنم، یک نگاه ناظر بر دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌هایی است که در این مدت نوشته و انجام شده است؛ اولین قدم در این مسیر تصویب قانون عملیات بانکداری

بدون ربا در سال ۱۳۶۲ و سپس آئین‌نامه‌های اجرایی مربوط به آن بود. در مورد این بخش با قاطعیت می‌توانم بگویم که رد و نشانی از ربا نیست چرا که تمام دستورالعمل‌ها با دقت بررسی و با اصول شرعی تطبیق داده شده است و در این رابطه زحمت اصلی بر دوش صاحب‌نظران فقهی و علمای ارجمند بوده است. البته در برخی مواقع، شبهاتی پیش می‌آمد ولی به سرعت رسیدگی و بلافاصله مرتفع و پاسخ داده می‌شد.

اما حوزه‌ای که همواره در آن دچار چالش بوده و هستیم، بخش اجراء است. به عنوان مثال برای تحقق درست و کامل یک عقد اسلامی که ربا در آن وجود نداشته باشد باید قصد و نیت دو طرف معامله صحیح باشد. با این تعریف در تمام این سال‌ها عمده تذکر و اولویت ما متوجه کارکنان نظام بانکی بوده است. به عبارت دیگر فعالان این حوزه در تمام سطوح از سیاستگذاران گرفته تا کارمندان صف تلاش داشته و دارند که در تعریف و اجرای عملیات بانکی دقت لازم را به کار گرفته، هرگونه شبهه فعالیت ربوی را منتفی کنند. اما واقعیت این است که برای انعقاد یک عقد عاری از ربا، توجه، قصد و تأکید هر دو طرف ضروری است یعنی مشتریان نظام بانکی هم باید مصمم به انجام عملیات بانکی بدون ربا باشند. به عبارت دیگر اگر توانسته باشیم در اجرای قانون بانکداری بدون ربا در مورد کارکنان شبکه بانکی موفق عمل کنیم، تنها نیمی از کار انجام شده و نیم دیگر که مربوط به مشتریان نظام بانکی می‌شود، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بررسی‌های متعدد نیز گویای این واقعیت است که عمده شبهات و تردیدهای مطرح شده در خصوص وجود شبهه عملیات ربوی در نظام بانکی، دقیقاً از همین خاستگاه برآمده است چرا که مشتریان بانک برای تأمین نیازهای مالی مختلف خود انتظار پاسخگویی از جانب بانک‌ها را دارند ولی در بسیاری از موارد راهکارهای مناسب براساس عقود اسلامی که بتواند نیازهای مطرح شده را پاسخ دهد طراحی نشده بود؛ لذا ناگزیر به سمت استفاده صوری از عقود تعریف شده می‌رفتند که این امر باعث ایجاد

تمام مطلوب‌ها و

ارزش‌های اسلامی

قاعدتاً باید در بانکداری

اسلامی متبلور و لحاظ

شده باشد، مفاهیمی

مانند عدالت، حمایت

از نیازمندان و... قاعدتاً

باید ستون‌های اصلی

ارزش‌ها و اولویت‌های

یک نظام بانکی منطبق

بر اهداف عالی اسلامی

باشد، بنابراین مسئله

تنها حذف ربا نیست

بلکه تلاش برای فراهم

آوردن زمینه‌هایی در

حوزه عملیات بانکی

است که به تحقق

آرمان‌های اسلامی

کمک کند



واقعیت این است که بانکداری اسلامی، ایده‌آلی است که باید به سمت آن حرکت کنیم و آنچه در حال حاضر به عنوان بانکداری در کشور ما اجرا می‌شود با این مفهوم ایده‌آل فاصله زیادی دارد

شبهاتی در نظام بانکی می‌شد، شبهاتی که در حقیقت ناشی از اصرار مشتریان به تأمین نیازهای مالی به هر شکل ممکن بود ولی در نهایت این ضعف یا شبهه به پای نظام بانکی نوشته می‌شد.

در واقع این شبهات خاستگاه فرهنگی داشت؟

دقیقا، ببینید در حال حاضر نزدیک به سه دهه از تصویب و اجرای قانون بانکداری بدون ربا سپری شده است و باید پرسید چه میزان در راستای معرفی ارزش‌های این قانون با جامعه صحبت کرده‌ایم؟ چه میزان برنامه‌ریزی فرهنگی انجام گرفته و اجرا شده است تا دریافت خدمات بانکی بدون ربا به عنوان یک مطالبه در جامعه تعریف شود؟

آقای دکتر اما گذشته از بدنه جامعه گاهی نمونه‌هایی از این ترندها در صاحب‌نظران هم مشاهده می‌شود!

بله! متأسفانه حتی گاهی اوقات می‌بینیم که برخی فعالان اقتصادی و صاحب‌نظران تصور می‌کنند آنچه در قالب بانکداری اسلامی در کشورهای دیگر اجرا و تبلیغ می‌شود از

بانکداری بدون ربا در ایران دقیق‌تر و پیشرفته‌تر است در حالی که اینگونه نیست، دقتی که در ایران در عملیات بانکی اعمال می‌شود قابل مقایسه با سایر کشورها نیست، در ایران بانکها خود را ملزم و مکلف می‌دانند که تمام نیازهای مالی مشتریان‌شان را در قالب عقود شرعی و با رعایت موازین فقهی تأمین کنند در صورتی که در سایر کشورها مدعی اجرای بانکداری اسلامی اصلا به این شکل نیست و بسیاری از نیازهای تأمین مالی اگر به یک بانک اسلامی ارجاع شود با پاسخ منفی ناشی از ناتوانی مواجه خواهد شد ولی در کشور ما هر فعال اقتصادی که به بانک مراجعه می‌کند، هر نوع نیاز مالی که داشته باشد باید از طریق روش‌های بانکداری بدون ربا تأمین شود زیرا گزینه رسمی و قانونی دیگری وجود ندارد.

در لایه‌های پائین‌تر از قوانین و آئین‌نامه‌ها چطور همین دقت نظرها وجود دارد؟

دقت نظرهای تئوریک در تمام لایه‌ها از قوانین بالادستی گرفته تا آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها اعمال می‌شود و هیچگونه شک و تردیدی در صحت آن‌ها وجود ندارد اما چالش اصلی در حوزه اجراست؛ در این بخش است که هم بانکها و هم مشتریان دچار مشکلاتی می‌شوند که به علت عدم دقت در تشخیص ریشه‌ها، مشکل نادانسته به حوزه قوانین سرایت داده می‌شود.

آقای دکتر برخی معتقدند این مشکلات اجرایی که حضرت تعالی هم به آن اشاره می‌فرماید تا حدود زیادی به علت فشار و تنوع فراوانی است که در نیازهای تأمین مالی بر شبکه بانکی کشور وارد می‌شود چقدر با این دیدگاه موافقت می‌کنید؟

توجه داشته باشید که اقتصاد ما اصولاً اقتصادی بانک محور است یعنی بار اصلی تأمین منابع مالی در آن بر دوش نظام بانکی قرار دارد. به همین خاطر تقریباً تمام نیازهای مالی به سمت بانکها سرازیر می‌شوند در حالی که در سایر کشورها به هیچ وجه چنین نیست. استمرار این شرایط در اقتصاد ایران باعث شده این ذهنیت نادرست شکل

گرفته و نهادینه شود که تنها نهاد مالی تأمین‌کننده نیازهای مالی برای فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری بانکها هستند.

در چنین شرایطی شاید دیگر چندان نیاز به توضیح نباشد که چه فشار سنگینی بر نظام بانکی کشور وارد می‌شود چنانچه در حال حاضر هم پیامدهای آن را شاهد هستیم. البته نباید این واقعیت را نیز نادیده گرفت که بانکهای ما نیز در تشخیص و تفکیک نیازهای مالی ارجاع شده به آن‌ها دچار مشکلاتی هستند. گذشته از این دو مشکل، در مواردی هم که تقاضای تأمین مالی مورد قبول بانک قرار می‌گیرد، متأسفانه عدم بهره‌مندی از چارچوب‌ها و عقود متنوع و متناسب باعث می‌شود بانکها ناچار شوند از نوع قراردادی که سخت‌تری با نوع نیاز دارد، استفاده کنند که این مسئله نیز باعث می‌شود مشکلات فراوان دیگری ایجاد شود.

مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت، ایجاد انضباط در ارائه خدمات بانکی است. به اعتقاد من یکی از مسائلی که هم نظام بانکی کشور و هم مشتریان را دچار مشکل می‌کند، عدم تفکیک بانکها براساس نوع خدمات ارائه شده است.

در حال حاضر تمام بانکهای فعال در کشور اجازه ارائه تمام خدمات را دارند و می‌توانند عملیات سپرده‌گیری و تسهیلات دهی را در قالب عقود مختلف انجام دهند. طبیعی است که در چنین شرایطی منابع حاصل از سپرده‌گذاری‌های مختلف در بانکها تجمع و در چارچوب‌های مختلفی در قالب تسهیلات پرداخت می‌شود و این در واقع نوعی نادیده انگاشتن حقوق سپرده‌گذاران است. از این رو معتقدم رتبه‌بندی و تفکیک بانکها براساس نوع خدماتی که ارائه می‌دهند

به پیاده‌سازی یک الگوی موفق بانکداری کمک می‌کند. در همین راستا اقداماتی از قبیل ایجاد شورای فقهی را در بانک مرکزی بسیار مناسب و مفید ارزیابی می‌کنم. فعالیت چنین شورای می‌تواند به طراحی روش‌های تأمین مالی جدید، عقود متناسب با نیازهای امروز و ایجاد اطمینان از مشروعیت کامل عملیات نظام بانکی کمک‌های شایانی بکند. ●